

برنامه گنج حضور با اجرای پرویز شهبازی
را در سایت زیر تماشا فرمایید.

www.parvizshahbazi.com



پیغام عشق

قسمت هزار و چهارصد و هفتادونهم





خانم لیلا



خلاصه شرح ابیات مثنوی و دیوان شمس ، موضوع برنامه ۹۸۵ گنج حضور، بخش پنجم

قُلْ أَعُوذُ بِكَ خَوَّانِدَ بَايِدِ كَايِ أَحَدِ

هين ز نَفَاثَاتِ افغان وَزْ عُقْدِ

–مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۱۰۴۲

قُلْ: بگو

أَعُوذُ: پناه می برم

نَفَاثَاتِ: بسیار دمنده

عُقْدِ: جمع عقده، گرهها

در این صورت باید سوره «قُلْ أَعُوذُ» را بخوانی و بگویی که ای خداوند یگانه، به فریاد رس از دست این دمندگان و این گره‌ها. [ما دائماً گره‌های همانیدگی و درد ایجاد می‌کنیم و به صورت من‌ذهنی فردی و جمعی به آن‌ها می‌دمیم و آن‌ها را زنده نگه می‌داریم. در حالی که باید فضا را باز کرده و با پناه بردن به خداوند از شرّ این همانیدگی‌ها در امان بمانیم.]

نکته: ما انسان‌ها با چیزهای مشترکی از جمله پول، همسر، فرزند، پدر و مادر، مقام و اموالمان همانیده هستیم؛ اما باید بدانیم تنها راه رهایی از این همانیدگی‌ها کمک خواستن از زندگی با فضاگشایی است.

می‌دمند اندر گره آن ساحرات
الغیاث المستغاث از بُرد و مات
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۱۰۴۳
الغیاث: کمک، یاری، فریادرسی
المستغاث: فریادرس، از نام‌های خداوند

آن زنان جادوگر که نماد من‌ذهنی به صورت فردی و جمعی است، در گره‌های همانیدگی و درد می‌دمند. ای خداوندِ دادرس، من فضا را باز می‌کنم پس به فریادم برس که با فرو رفتن در خواب ذهن، دنیا بر من غلبه کرده و مقهور و مات جهان شده‌ام.

نکته ۱: مولانا از طریق اصطلاح «برد و مات» به ما هشدار می‌دهد که اگر با فضاگشایی به همدیگر کمک نکنیم، دیو یا همان شیطان از ما می‌برد و ما مات خواهیم شد.

نکته ۲: ما باید از خواندن کتاب‌ها و گوش دادن به اخباری که درد را در ما بیدار کرده و حال ما را خراب می‌کند پرهیز کنیم، در عوض فضا را باز کرده و از خداوند کمک بخواهیم.

چون ز عطرِ وحی کز گشتند و گم
بد فغانشان که تطیرنا بکم

-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۸۳

از آن رو که حق ستیزان از بوی دلاویز وحی و رایحه جان بخش الهی گمراه و منحرف شدند، فریاد برداشتند که ما به شما فال بد می زنیم. [وقتی پیامبران و عارفان بزرگ پیغام‌هایی برای بیداری مردم از خواب ذهن آوردند، با مقاومت آن‌ها مواجه شدند چرا که تمایلی به بیدار شدن از خواب ذهن نداشتند. این افراد بعد از شنیدن وحی به ستیزه روی آورده و حتی پیامبران را به مرگ تهدید می کردند.]

نکته: حال باید ببینیم آیا ما نیز با شنیدن این ابیات که از طرف زندگی آمده و باعث بیداری ما از خواب ذهن می‌شوند، به ستیزه و مقاومت می‌پردازیم و یا با شناسایی من‌ذهنی، پندار کمال و ناموس در خودمان، در صدد بیدار شدن از خواب ذهن هستیم؟

(قرآن کریم، سوره یس (۳۶)، آیه ۱۸)

«قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ.»
 «گفتند: ما شما را به فال بد گرفته‌ایم. اگر بس نکنید، سنگسارتان خواهیم کرد و شما را از ما شکنجه‌ای سخت خواهد رسید.»

رنج و بیماریست ما را این مقال
نیست نیکو وَعَظْتَانِ ما را به فال
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۸۴

[کسانی که در خواب ذهن بودند در جواب پیامبران می گفتند:] این سخنان شما [که می گوید تمام انسان ها از جنس زندگی هستند و باید با عشق زندگی کنند تا به جنس اولیه خود یعنی اَلست تبدیل شده و هر لحظه فکرهای خود را بیافرینند]، مایه رنج و بیماری ما است و پند و اندرز شما را به فال نیک نمی گیریم.

گر بی‌آغازید نُصْحی آشکار
ما کنیم آن دم شما را سنگسار
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۸۵
نُصْح: پند دادن، پند و اندرز

اگر بخواهید آشکارا به نصیحت و بیدار کردن مردم پردازید، فوراً شما را سنگسار خواهیم کرد.

ما به لَغُو و لَهْو، فربه گشته‌ایم
در نصیحت خویش را نَسْرِشته‌ایم
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۸۶
لَغُو: باطل، بی فایده
لَهْو: بازی کردن، سرگرمی

ما با فکر و عمل بیهوده و سرگرم ساختن خود به ایجاد جنگ و ستیزه عادت کرده‌ایم، به طوری که از همین طریق و با زیاد کردن همانیدگی‌ها خود را بزرگ کرده و نهایتاً تمام اشتباهات و خرابکاری‌های ناشی از عقل من‌ذهنی را به گردن دیگران می‌اندازیم. ما هیچ‌وقت خود را به گوش دادن نصیحت بزرگان عادت نداده‌ایم.

نکته: روزی ممکن است تعالیم مولانا در مقیاس وسیع پخش شود و مردم متوجه شوند که نمی‌توانند با من‌ذهنی دنیا را اداره کنند. بنابراین با توجه به آثار تخریبی‌ای که من‌ذهنی در جهان ایجاد کرده‌است باید توجه داشته باشیم که از بین بردن انرژی مسموم من‌ذهنی، با ایجاد درد و انقباض امکان‌پذیر نیست و به اصطلاح، تاریکی را با تاریکی نمی‌توان از بین برد؛ بلکه باید شمعی روشن شود و این شمع تنها «عشق» است.

هست قوتِ ما دروغ و لاف و لاغ
شورشِ معده‌ست ما را زین بلاغ
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۸۷
لاغ: بازی، شوخی، مسخرگی
بلاغ: پیام‌رسانی

[این افراد که به ماندن در خواب ذهن اصرار داشتند، می‌گفتند:] غذای ما همین دروغ گفتن، حرف‌های بیهوده زدن و ادعاهای مسخره در من‌ذهنی است. ما از پیام‌های شما که ما را به فضاگشایی و زنده شدن به خدا دعوت می‌کند، حالمان بهم می‌خورد.

رنج را صد تو و افزون می کنی

عقل را دارو به آفیون می کنی

—مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۸۸

آفیون: تریاک

این اشخاص می گفتند: شما با این پند و اندرزها رنج ما را صد برابر افزایش می دهید و می خواهید عقل من ذهنی ما را با افیون درمان کنید و آن را ضعیف و خاموش سازید. [به عبارتی این ابیات بدین موضوع اشاره دارند که ما در من ذهنی تحمل پذیرش اشتباهات خود را نداریم. به ماندن در خواب ذهن و فکر و عمل با من ذهنی اصرار ورزیده و حاضر به فضاگشایی و زنده شدن به خداوند نیستیم؛ بنابراین هر لحظه از دریافت پیغام زندگی بازمانده و صدها برابر درد تولید می کنیم.]

تو همچو وادیِ خشکی و ما چو بارانی
تو همچو شهرِ خرابی و ما چو معماری
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵
وادی: بیابان

[زندگی خطاب به انسان می گوید:] تو در من ذهنی مانند سرزمینی خشک هستی و من همچون باران بر تو می بارم و تو را سرسبز خواهم ساخت. همچنین من معماری هستم که شهر ویران درونت را آباد می سازم.

[به بیان دیگر وقتی ما به وجود من ذهنی و ناکارآمدی آن آگاه شدیم، فقط کافیست تا به جای فکر و عمل با من ذهنی، فضا را باز کنیم تا خرد کُل، خداوند، دست به صنع بزند و درون و بیرون ما را بسازد.]

از سخن گویی مجوید ارتفاع
منتظر را به ز گفتن، استماع
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۳۳۱۶
ارتفاع: بالا رفتن، والایی و رفعت جستن
استماع: شنیدن، گوش دادن

هرگز نخواهید براساس چیزهایی که ذهن نشان می دهد بلند شوید، حرف بزنید، فکر و عمل کنید و
من ذهنی خود را بسازید؛ زیرا برای کسی که فضا را می گشاید و منتظر کمک خداوند و زنده شدن به
زندگی است، گوش دادن بهتر از حرف زدن به عنوان من ذهنی است.
نکته: اگر ما از طریق سخن گویی می خواهیم خود را مطرح کنیم و یا فضا را بسته و مانع تبدیل و زنده
شدن خود و دیگران به زندگی می شویم، در این صورت در خواب ذهن هستیم.

منصبِ تعلیمِ نوعِ شهوت است
هر خیالِ شهوتی در ره بُت است
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۳۳۱۷

مقام تعلیم که در آن تلاش می‌کنیم خود را معلم و استاد جلوه داده و دیگران را تغییر دهیم، نوعی شهوت است و هر خیالی که از جنس این شهوت باشد در مسیر زنده شدن به زندگی بت محسوب می‌شود.

نکته: هر کسی که از این شهوتِ تعلیم بتی ساخته و به آن مشغول است نیز در خواب ذهن به سر می‌برد.

باغبان را خار چون در پای رفت
دزد فرصت یافت، کالا بُرد تفت

—مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۲۵۲

به طور مثال اگر خاری در پای باغبان فرو رود و او مشغول درآوردن خار از پایش شود، بنابراین دزد فرصت می یابد و میوه های درون باغ را می دزدد. [به بیان دیگر اگر ما به عنوان باغبان حضورمان، تمام توجه خود را با سبب سازی به خار من ذهنی بدهیم که این لحظه به صورت درد و مسئله ما را آزرده است، در این صورت دزد من ذهنی فرصت می یابد و به سرعت کالای باارزش عمر را از ما می رباید.]

چون ز حیرت رست، باز آمد به راه
دید برده دزد، رخت از کارگاه
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۲۵۳

وقتی باغبان هشیار شد و به حالت طبیعی بازگشت، متوجه شد که دزد اموالش را دزدیده است.

[ما نیز وقتی در اطراف دردهای من ذهنی فضا باز می کنیم و هشیاری خود را باز می یابیم، تازه متوجه می شویم که من ذهنی بسیاری از فرصت های ما را ربنوده است.]

رَبَّنَا اِنَّا ظَلَمْنَا كَفْت وَاَه
يعنى امد ظلمت و گم گشت راه
-مولوى، مثنوى، دفتر اول، بيت ۱۲۵۴
رَبَّنَا اِنَّا ظَلَمْنَا: پروردگارا، همانا ما به خودمان ظلم كرديم.

آن شخص آه از نهاد برکشید و گفت: «پروردگارا، ما به خودمان ستم کرده‌ایم، چراکه مرکزمان را از جنس جسم ساخته، با من ذهنی به فکر و عمل پرداختیم و در تاریکی ذهن همانیده و پردرد راهمان را گم کردیم.»

نکته ۱: براساس این ابیات نتیجه می‌گیریم ما به‌عنوان کاروان انسانیت به خودمان ستم کرده و راه را گم کرده‌ایم، پس باید همچون حضرت آدم به اشتباه خود اعتراف کنیم.

نکته ۲: اگر بپذیریم که دلیل گمراهی ما قرار دادن همانیدگی‌ها در مرکز و دیدن براساس آن‌ها بوده‌است، اولین قدم را برای بیداری از خواب ذهن برداشته‌ایم. ما تا به حال با استفاده از عقل من‌ذهنی اشتباهات یکدیگر را تقلید کرده و به خودمان ستم کرده‌ایم. باید بفهمیم که این شیوه از زندگی مطابق خواست خداوند نبوده‌است. پس در حال حاضر به یک بیداری گسترده نیاز داریم تا بدانیم که همگی در یک قافله هستیم و عملکرد ما به‌صورت فردی، قطعاً جمع را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

دیده‌ای کاندر نُعاسی شد پدید
کی تواند جز خیال و نیست دید؟
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۱۰۳۳
نُعاس: چُرت، در این جا مطلقاً به معنی خواب

انسانی که در فضای خواب‌آلود ذهن چشمانش را باز کند به غیر از خیال و توهمی که همگی ساخته و پرداخته من‌ذهنی است، چه چیزی را می‌تواند ببیند؟

خواب چون درمی‌رمد از بیمِ دلِق
خوابِ نسیان کی بُود با بیمِ حَلَق؟
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۴۱۰۰
نسیان: فراموشی

آن‌گاه که ترسِ دزدیده شدن اموال، خواب را از چشمان انسان می‌رباید، پس چگونه است که آدمی با وجود من‌ذهنی که زندگی را از او دزدیده و مدام او را به‌سوی قبر ذهن می‌کشاند، در خواب غفلت فرو رفته و خدا را فراموش کرده‌است؟

لَا تُؤَاخِذْ اِنْ نَسِينَا، شَد گَوَاه
كِه بُودَ نَسِيَانِ بِه وَجْهِي هَم گَنَاه
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۴۱۰۱
نسیان: فراموشی

آیه‌ای که می‌گوید: «مؤاخذه مکن اگر فراموش کردیم.» گواه بر همین امر است که هرگاه انسان به‌جای فضاکشایی، من‌ذهنی درست کند و دچار غفلت و فراموشی شود، در این صورت مرتکب گناه شده‌است، زیرا «الست» و از جنس خدا بودن را فراموش کرده و با دیدن برحسب ذهن همانیده، باعث خرابکاری خواهد شد.

(قرآن کریم، سوره بقره (۲)، آیه ۲۸۶)
 «... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا...»

«... ای پروردگار ما، اگر فراموش کرده‌ایم یا خطایی کرده‌ایم، ما را بازخواست مکن...»

زآنکه استکمالِ تعظیم او نکرد

ورنه نسیان در نیاوردی نبرد

—مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۴۱۰۲

زیرا انسان به جای استمرار در شناسایی همانیدگی‌ها و کوچک کردن من‌ذهنی، با آوردن آن‌چه ذهن نشان می‌دهد به مرکزش، «تعظیم خدا» را آن‌طور که شایسته بزرگی خداوند است به‌جا نیاورده و من‌ذهنی‌اش را صفر نکرده‌است. بنابراین براساس من‌ذهنی بلند می‌شود و سخن می‌گوید، و‌گرنه با حمله‌های من‌ذهنی به هشیاری‌اش دچار فراموشی نمی‌شد و از یاد خدا غافل نمی‌گشت.

نکته: اگر ما با فضاگشایی مستمر «استکمال تعظیم» را به جا بیاوریم و تمام حواس خود را بر این قضیه بگذاریم که با کوچک شدن نسبت به من ذهنی و فضاگشایی به عنوان خدا و زندگی بزرگ خواهیم شد، در این صورت هرگز چیزهای بیرونی به ما حمله نخواهند کرد و دچار فراموشی نمی شویم.

با تشکر:

کارگروه خلاصه سازی متن برنامه ها

گوینده: لیلا

منابع: برنامه ۹۸۵ گنج حضور (استاد پرویز شهبازی)

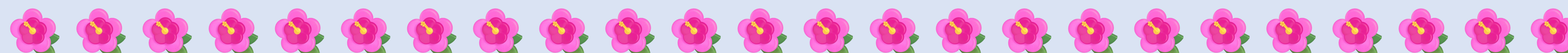
کتابهای تفسیر مثنوی (استاد کریم زمانی)


با تشکر: کارگروه خلاصه نویسی متن برنامه های گنج حضور

پایان



با سپاس از بینندگان گنج حضور بابت ارسال پیغام‌های معنوی خود





**برنامه گنج حضور با اجرای پرویز شهبازی
را در سایت زیر تماشا فرمایید.**

www.parvizshahbazi.com